خبر

حذف یارانه نقدی ثروتمندان در ابهام

● **واحد مرکزی خبر:** مساله حذف یارانه نقدی ثروتمندان از مسایلی است که هنوز راهکار حل آن کشف نشده و همچنان در پس پرده ابهام است. رییس کمیسیون تلفیق مجلس با بیان اینکه در بررسی لایحه بودجه۹۴، معیار دوونیم‌میلیون‌تومان درآمد و چندشرط دیگر ازجمله اختصاص منابع نقدی به استان‌ها و دیگر موارد لحاظ شده بود، گفت: نمایندگان تلاش می‌کنند در هر طرحی که برای حذف دهک‌های ثروتمند از دریافت یارانه نقدی اجرا می‌شود، دولت هم همراه باشد و به اجماع برسد. غلامرضا تاجگردون در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری شنبه‌شب شبکه دو سیما افزود: در فرایند بررسی احساس شد دولت حاضر نیست فشار بیاورد و اعلام کرد برای حذف یارانه نقدی با معیار دوونیم‌میلیون‌تومان درآمد به اطلاعات اقتصادی‌ای نیاز دارد که آنها را دراختیار ندارد و نمی‌توان به‌راحتی شناسایی کرد. وی گفت: البته وزارت تعاون بررسی‌هایی کرده که نشان می‌دهد هفت تا ۱۰درصد از جمعیت کشور ثروتمند هستند و دولت معتقد است به‌تدریج باید این کار را انجام دهد. تاجگردون با بیان اینکه ۲۰اسفند زمان تعیین‌شده برای حذف یارانه نقدی نیست، افزود: هم در دولت و هم در مجلس نگاه سیاسی وجود دارد، البته سهم مجلس به نظر من زیاد است چون مجلسی‌ها بیشتر با مردم برخورد دارند. رییس کمیسیون تلفیق گفت: برخی آمارها نشان می‌دهد همچنان ۷۰ تا ۸۰میلیاردریال یارانه پنهان در اقتصاد کشور پرداخت می‌شود که بخش عمده‌ای از آن سهم ثروتمندان است و باید به‌سمت ساماندهی پرداخت نقدی حرکت کنیم. وی گفت: در دولت چندصدایی وجود دارد و البته سازمان مدیریت تمایل بیشتری دارد که یارانه ثروتمندان حذف شود و وزارت نفت واقعا در شرایط سختی است چون باید منابع یارانه نقدی را تامین کند و ادامه این روند شاید باعث تعطیلی پالایشگاه‌ها و شرکت‌های نفت و گاز شود.

بودجه وزارت نفت، یک دهم سرمایه مورد نیاز

● **ایسنا:** در حالی میزان سرمایه لازم برای نگهداشت، حفظ تولید و توسعه طرح‌های صنعت نفت سالانه ۳۰میلیارددلار اعلام شده که در پی کاهش قیمت نفت، در سال آینده سهم وزارت نفت از درآمدهای نفتی تنها حدود سه‌میلیارددلار است. در زمانی که قیمت نفت حدود صددلار بود سهم وزارت نفت از درآمدهای نفتی به حدود ۱۳میلیارددلار می‌رسید اما با کاهش قیمت نفت آنطور که بیژن زنگنه، وزیر نفت اعلام کرده این درآمدها به سه‌میلیارددلار کاهش می‌یابد.

نعمت‌زاده: نتوانستیم از نوبخت یارانه بگیریم

● **فارس:** وزیر صنعت، معدن و تجارت گفت: براساس قانون هزارو۲۰۰میلیاردتومان یارانه باید به بخش صنعت و معدن پرداخت می‌شد اما هرکسی گرفته سلام ما را به او برسانید؛ ما هرچه تلاش کردیم نتوانستیم از آقای نوبخت این منابع را دریافت کنیم و ایشان هم که به ما لطف دارند و با لبخند، ما را شرمنده کرده‌اند. محمدرضا نعمت‌زاده در هفتمین کنفرانس توسعه نظام مالی با اشاره به نسبت تولید ناخالص داخلی به تسهیلات بانکی، اظهار کرد: براساس آمارهای جهانی این نسبت در سال۲۰۰۰ در ایران ۳۶درصد و در ترکیه ۳۸درصد بود، اما در آخرین آمار که به سال۲۰۱۰ مربوط می‌شود، این نسبت در ایران به ۱۸درصد کاهش یافته و در ترکیه به ۷۰درصد رسیده است. وی افزود: میزان دسترسی به تسهیلات در ترکیه ۶۴درصد و در ایران ۳۶درصد است؛ سهم صنعت از تسهیلات تا قبل از سال۸۸ بالغ بر ۳۶درصد بود که این رقم در سال گذشته ۲۹درصد و در شش‌ماهه اول امسال ۳۲درصد بوده است. به‌گفته وی، کاهش سهم صنعت از تسهیلات درحالی است که اقتصاد ما در شرایط عادی به‌سر نمی‌برد. وزیر صنعت، معدن و تجارت با بیان اینکه سهم صادرات از تسهیلات بسیار پایین است و تنها ۱۰درصد صادرات کشور از تسهیلات استفاده می‌کنند، گفت: متوسط جهانی سهم صادرات به تسهیلات حدود ۶۰درصد است، برآورد ما برای سال۹۳ این بود که برای تولید ۶۰۰هزارمیلیاردتومان کالا در بخش صنعت نیازمند ۱۵۰هزارمیلیاردتومان تسهیلات هستیم، اما براساس آمارهای بانک مرکزی در هشت‌ماهه امسال ۶۶هزارمیلیاردتومان تسهیلات به بخش صنعت اختصاص یافته و با فرض ادامه این روند تا پایان سال به ۱۰۰هزارمیلیاردتومان خواهد رسید که البته بخش عمده این تسهیلات منابع جدید نیستند و بابت استمهال بدهی منظور شده‌اند. نعمت‌زاده با بیان اینکه مجموع تسهیلات پرداختی به بخش صنعت در هشت‌ماهه امسال ۳۰ تا ۳۵هزارمیلیاردتومان بوده است، درخصوص یارانه تولید اظهار کرد: براساس قانون هزارو۲۰۰میلیاردتومان باید به بخش صنعت و معدن پرداخت می‌شد اما هرکسی گرفته سلام ما را به او برسانید؛ ما هرچه تلاش کردیم نتوانستیم از آقای نوبخت این منابع را دریافت کنیم و ایشان هم که به ما لطف دارند و با لبخند ما را شرمنده کرده‌اند.

بازار سرمایه بیشتر نگران دخالت‌های دولت است

ادامه از صفحه۵

نسبت میان بازارمحوری و بانک‌محوری چیست؟ و چگونه می‌توان میان آنها تعادلی برقرار کرد؟

در چندسال اخیر همواره این بحث مطرح بوده است که باید بازار پول و سرمایه از یکدیگر تفکیک شود و ساختارهای هریک باید از یکدیگر مستقل شوند و... این مباحث از دوره وزارت آقای مظاهری در فضای رسانه‌ای و اقتصادی مطرح شد. برای نمونه ریاست شورای‌عالی بورس از رییس‌کل بانک‌مرکزی به وزیر اقتصاد تغییر یافت، اما به‌طورکلی دغدغه اصلی این نیست که بازار سرمایه یا بانک؟ از گذشته این موضوع در تئوری‌های اقتصادی وجود داشت که بازار سرمایه از بازار پول کاراتر است و تامین مالی را به‌صورت کاراتر انجام می‌دهد، اما تجربه کشورهای پیشرفته نشان داد الزاما این تئوری صحیح نیست. کشورهای توسعه‌یافته‌ای وجود داشتند که بانک‌محور بودند و بسیاری از سازوکارهای اقتصادی آنها براساس بانک‌ها تعریف شده بود.

به‌هرترتیب موضوع تفکیک میان حوزه‌های بازار سرمایه و بازار پول، موضوعی است که همچنان مورد مناقشه است و این موضوع بار دیگر و با بحران مالی ۲۰۰۸ در آمریکا در محافل آکادمیک و ژورنالیستی طرح شد...

ببینید برای اینکه سهم بازار سرمایه و بانک در تامین مالی و تشکیل سرمایه مشخص شود، خط‌کش مشخصی در دنیا وجود ندارد. نسبت میان این دوبازار به ساختارهای اقتصادی بستگی دارد. درحال‌حاضر اقتصاد آمریکا بیشترین بهره را از بازار سرمایه می‌برد، به‌همین‌دلیل است که بازار سرمایه آمریکا بزرگ‌ترین بازار سرمایه در دنیاست. از طرفی بازار پول آمریکا نیز بزرگ‌ترین بازار پول دنیاست و این بازار هم بدون دخالت و کنترل دولت اداره می‌شود و دولت کنترل چندانی بر آن ندارد. این بازار براساس نیازهای فعالان اقتصادی ایجاد شده و در تامین مالی کوتاه‌مدت با نقدشوندگی بالا نقش دارد. درمقابل بخش‌هایی وجود دارد که به تامین مالی‌های بلندمدت و سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها نیازمند است و در این بخش‌ها به‌صورت طبیعی نباید انتظار داشت که بازار پول به تامین مالی اقدام کند، چراکه منابع بازار پول منابع کوتاه‌مدت است. منابع سپرده معمولا کوتاه‌مدت هستند، درنتیجه باید به مصارف کوتاه‌مدت برسند. زمانی‌که این منابع کوتاه‌مدت به مصارف بلندمدت می‌رسد، عدم‌تعادل در شبکه بانکی ایجاد می‌شود. یعنی همین آفتی که ما در ایران با آن روبه‌رو هستیم. درواقع به‌جای انتخاب میان بازار سرمایه و بازار پول باید این پرسش طرح شود که چه نوع تقاضا و نیازهایی را بانک‌ها باید پاسخ دهند و کدام‌یک را بازار سرمایه. بنابراین فارغ از تعیین سهم این‌دو بازار باید گفت کدام‌یک از نیازها را کدام بازار پاسخ می‌دهد. اما در ایران این نیازها آشفته‌اند و میان آنها تفکیکی صورت نگرفته است. برای خرید خودرو، ازدواج، پروژه پتروشیمی ۱۰ساله، طرح آبرسانی خلیج‌فارس به کرمان و... از بانک‌ها وام گرفته می‌شود. بخشی از این اتفاق به این دلیل است که بسترهای مناسب مهیا نبوده است یعنی بازار سرمایه در جایگاهی قرار نداشته که بتواند پاسخگوی این نیازها باشد.

شما به نقش تامین سرمایه‌ها در بازار سرمایه اشاره کردید، تا چندسال پیش تقریبا هیچ شرکت تامین سرمایه‌ای وجود نداشت و اگر نگاه کنید، می‌بینید حجمی که این شرکت‌ها جذب کرده‌اند، بسیار محدود است. چرا تامین سرمایه از طریق بازار سرمایه کارآمد نیست؟

به‌هرحال در این بازار همه‌چیز باید باهم هماهنگ باشد. در بازاری که کماکان کوچک است، حجم معاملات اندک است و عمق بازار زیاد نیست و بازار از نظر توسعه‌یافتگی در مراحل اولیه قرار دارد، یک نهاد به‌تنهایی کار چندانی نمی‌تواند انجام دهد و تمام فعالان بازار در همین سطح فعالیت می‌کنند. تامین سرمایه‌ها در دنیا سابقه‌ای چندصدساله دارد، اما ادبیات تامین سرمایه در کشور ما طی پنج‌سال گذشته ایجاد شده است. اتفاقا در مقایسه با نهادهایی که در این دوره ایجاد شده‌اند، تامین سرمایه‌ها عملکرد مناسب‌تری داشته و جایگاه خوبی را در خدمات مشاوره‌ای، مدیریت دارایی و تامین مالی به‌دست آورده‌اند. اما محدودیت‌های کلی بازار نیز بر آنها تحمیل می‌شود. به‌عنوان مثال حدود پنج‌هزارمیلیاردتومان از محل اوراق بدهی تامین مالی شده است؛ آیا این توانایی در بازار وجود داشته که این رقم به ۲۰هزارمیلیاردتومان برسد؟ پاسخ منفی است چراکه بازار عمق کافی ندارد. بخش دیگر این مشکلات به این موضوع برمی‌گردد که تامین سرمایه‌ها به اندازه کافی میان فعالان بازار شناخته نشده‌اند. در ایران کمتر علاقه‌ای برای به‌کارگیری مشاور وجود دارد مگر اینکه به مشکلی بربخوریم.

به‌جز تمام آسیب‌هایی که شما اشاره کردید، چه تفاوتی میان رفتار اقتصادی فعالان بازار سرمایه ایران با فعالان بازار سرمایه در کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد؟

این بحث بیشتر جامعه‌شناختی است و من تخصصی در این زمینه ندارم. اما آنچه من به‌لحاظ تجربی به آن دست‌یافته‌ام، این است که ما ایرانیان از نظر فرهنگی وجه غالبی داریم و آن این است که در هرنقطه‌ای که قرار داریم، تنها به فکر منافع آن نقطه هستیم و کلی‌نگری لازم را نداریم، یعنی اگر من جزیی از بخش خصوصی هستم، انتظار دارم تمام توجه‌ها معطوف به من باشد و تا حد ممکن از من مالیاتی اخذ نشود، تعرفه‌ها و سیاست‌های دولت به نفع من باشد و... و به دیگران و اتفاقاتی که ممکن است برای آنها رخ دهد، توجهی نمی‌کنم. اما وقتی که در طرف دولت می‌نشینم، به این فکر می‌کنم که چگونه باید بخش خصوصی را کنترل کنم. متاسفانه یک نوع بخشی‌نگری در میان ما ایرانیان هست که باعث می‌شود در هر نقطه‌ای که قرار داریم تنها به همان حوزه‌ها بپردازیم. در بازار سرمایه نیز این مشکلات وجود دارد. زمانی که قیمت سهام بالا می‌رود، سهامداران می‌گویند خودمان تصمیم گرفتیم و خودمان خریدیم و این در اثر تحلیل خوب ما بوده است. اما زمانی که قیمت سهم به هر دلیلی افت می‌کند، فریاد می‌زنیم که چرا دولت کمک نمی‌کند و چرا وزیر استیضاح نمی‌شود و... . این در حالی است که اگر قواعد بازی را بپذیریم، می‌دانیم که ریسک جزیی از ذات بازار سرمایه است.

شما اشاره کردید کسانی که وارد بازار می‌شوند باید از حداقلی از دانش برخوردار باشند. برخی از کارشناسان معتقدند که فضای بازار سرمایه، طبقه جدید اجتماعی و اقتصادی‌ای را ایجاد کرده است که یک دانش نسبی نسبت به معادلات سیاسی و اقتصادی دارند. اگر این مفروض را می‌پذیرید، برای حفاظت و هم‌افزایی این طبقه چه باید کرد؟

بله من این مفروض را می‌پذیرم. ما در سطح سرمایه‌گذاران و سطح نهادهای مالی، نیروهای انسانی‌ای را داریم که در هیچ‌یک از سطوح دیگر اقتصادی نداریم. کسانی که در بازار سرمایه فعالیت می‌کنند افرادی تحصیلکرده و با سطوح علمی عالی هستند. در نهادهای مالی نیروهای متخصص زیادی وجود دارند که اگر این شرایط را با صنعت یا شبکه بانکی مقایسه کنید، این تفاوت ملموس‌تر خواهد بود. این اتفاق یکی از نقاط مثبت بازار سرمایه ماست. البته برخی از افراد هم هستند که فعالان دایمی بازار نیستند و در مقاطعی و بیشتر در اوج بازار سرمایه وارد می‌شوند؛ اما کسانی که به‌صورت دایمی در بازار فعالیت می‌کنند، از پتانسیل‌های بالایی برخوردار هستند. البته باید توجه داشت که ماهیت بازار سرمایه ماهیتی ریسکی است و سهم، بعد از اوراق قرضه دومین اوراق بهادار ریسکی است. در نتیجه سرمایه‌گذاری که در بازار به‌صورت تخصصی کار کرده است و الفبای سرمایه‌گذاری را بلد است، ریسک‌های غیرسیستماتیک را می‌پذیرد اما انتظار ریسک‌های سیستماتیک را ندارد. یعنی انتظار ندارد صبح که از خواب برمی‌خیزد به‌دلیل تصمیم یک مرجع دیگر تمام سرمایه خود را ازدست‌رفته ببیند. انتظار ندارد تصمیم‌گیری‌های بانک‌مرکزی برخلاف مصالح بازار سرمایه باشد. انتظار ندارد فلان وزارتخانه درباره صنعت تصمیمی بگیرد که در بازار اثر منفی می‌گذارد. در نتیجه اگر دولت بتواند عدم تعادل‌ها را کنترل کند و اجازه ندهد تصمیمات واحدها و بخش‌های دیگر اقتصاد در بازار سرمایه اثر منفی ایجاد کند، آسیب کمتری متوجه فعالان بازار سرمایه خواهد شد.

> **ایرانیان سالیان‌سال دولتی را تجربه کرده‌اند که در مقام ولی‌نعمت بوده و پس از مدرن‌شدن آن نیز این دولت از منابع سرشار نفت برخوردار بوده است. این ساختار قدرت، به‌صورت خودکار این القا را ایجاد می‌کند که شهروندان به چیزی به نام بازار نیاز ندارند. یک فرآیند دستوری و از بالا وجود دارد که کار تولید، توزیع و قیمت‌گذاری را برعهده دارد**

خود این فعالان چه می‌توانند بکنند؟ به‌عنوان مثال اگر انجمن صنفی وجود داشته باشد نمی‌تواند منافع این گروه را منسجم‌تر دنبال کند؟ به‌عنوان مثال تجمع اعتراضی روزهای اخیر برخی از فعالان بازار، فارغ از صحیح یا اشتباه‌بودن آن، نشان داد که برای فعالان بازار سرمایه بستر و امکان گفت‌وگوی میان مدیران وجود ندارد.

بله، من این موضوع را قبول دارم. اتفاقا در جایی این بحث مطرح بود که چرا بسیاری از فعالان بازار سرمایه به سمت اتاق بازرگانی متمایل شده‌اند و من در پاسخ گفتم که بازار سرمایه تریبون ندارد و امکان ارتباط میان فعالان بازار سرمایه و نهادهای حاکمیتی ضعیف است. در سال‌های گذشته سازمان بورس و اوراق بهادار باوجود تمامی اقدامات مثبتی که داشت، رویکرد کنترلی محض اتخاذ کرده بود. یعنی اجازه نمی‌داد فعالان بازار سرمایه دریافت‌هایی که از بازار دارند، به‌راحتی به گوش این نهاد برسانند. دلیل آن هم این است که تمامی نهادها و فعالان بازار به‌نحوی به سازمان بورس مرتبط هستند و نمی‌توانند آزادانه از سازمان بورس انتقاد کنند. کانون کارگزاران و کانون نهادهای مالی نیز در این‌میان به اندازه کافی پیگیر و پاسخگو نیستند.

عکس: امیر جدیدی، شرق

به‌نظر می‌رسد در میان فعالان بازار سرمایه تعریف روشن‌تری از منافع ملی وجود دارد. به عنوان نمونه همه فعالان بازار سرمایه موافق و البته منتظر به نتیجه‌رسیدن مذاکرات هستند. چگونه این نقطه اشتراک ایجاد شده است؟

یکی از ویژگی‌های بازار سرمایه این است که شما نتیجه سیاست‌های اقتصادی دولت را در آنجا می‌بینید. یعنی اگر اقتصاد عملکرد خوبی داشته باشد، نتیجه آن را می‌توان در بازار سرمایه دید. بازار سرمایه به‌طور معمول دربرگیرنده سبد بهترین شرکت‌های آن اقتصاد است. در نتیجه اگر سیاست‌های دولت موفقیت‌آمیز است و اقتصاد در جهت درست حرکت کند اثر آن را در بازار می‌بینید و سرمایه‌دارن از آن منتفع می‌شوند و بالعکس. از این زاویه می‌توان گفت از آن جهت فعالان بازار سرمایه به مسایل سیاسی حساسیت دارند که اثر آن تصمیم‌ها را به‌سرعت در بازار خواهند دید. مذاکرات هسته‌ای برای فعالان بازار سرمایه یک اتفاق بزرگ است. به‌نتیجه‌رسیدن مذاکرات هسته‌ای و برداشته‌شدن تحریم‌ها از دید سرمایه‌گذاران یعنی گشایش اقتصادی، حضور سرمایه و شرکت‌های خارجی، افزایش صادرات، ورود کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای ارزان‌تر و درنهایت رشد و شکوفایی اقتصادی. کسی که در بازار فعالیت می‌کند به نتیجه این توافق نگاه می‌کند. اگر تحریم برداشته شود، شرکت‌های بورسی شرایط بهتری خواهند داشت و در نهایت بازده بیشتری ایجاد خواهد شد. از این‌رو صرف مسایل سیاسی برای فعالان بازار موضوعیت ندارد؛ این نتیجه مسایل سیاسی است که برای سهام‌داران از اهمیت برخوردار است. بازار سرمایه بازار حساسی است و تصمیمات سیاسی به‌سرعت در این بازار اثر خواهد گذاشت. به‌عنوان مثال اگر خبر مثبتی از مذاکرات مخابره شود، در بازار اثر خواهد گذاشت؛ این در حالی است که همه ما می‌دانیم که حتی اگر تحریم‌ها برداشته شود ممکن است اثرات واقعی آن تا سه‌سال بعد در جامعه دیده شود. اما در بازار براساس اطلاعات آینده تصمیم‌گیری می‌شود و اگر اطلاعات و فضای آینده برای من روشن باشد، این خوشبینی مرا به سرمایه‌گذاری ترغیب خواهد کرد.

رویکرد شما نسبت به دولت فعلی چیست؟

به‌نظر من در شرایط بسیار بدی مسوولیت دولت یازدهم به آقای روحانی رسیده است. از نظر شرایط اقتصادی و سیاسی شرایط بسیار دشواری است و دولت با محدودیت شدیدی روبه‌روست. به همین دلیل برای اینکه این دولت به نتیجه محدودی برسد باید تلاش بسیار زیادی را انجام دهد. شما می‌بینید که همه اتفاق‌های اقتصادی اخیر علیه دولت است. قیمت نفت کاهش پیدا می‌کند، تحریم‌ها شدیدتر می‌شود، فضای اقتصادی جهانی چندان پررونق نیست و قیمت‌های جهانی کاهش پیدا کرده است. دولتی که در پی ایجاد تحول است باید منابع مالی در اختیار داشته، مراودات خارجی بیشتری داشته و فضای داخلی با آن همراه باشد. متاسفانه این دولت از این شانس بی‌بهره بوده است.

پیش‌بینی شما از آینده این بازار چیست؟

متاسفانه من به آینده بازار چندان خوشبین نیستم و فکر می‌کنم سال۹۴ سال سختی برای بازار سرمایه خواهد بود. در شش‌ماهه دوم سال۹۳ شرایط بدی بر اقتصاد حاکم بوده است. بانک‌های ما در بدترین شرایط ممکن در حال فعالیت هستند و برخی از آنها در مرز خطر قرار دارند. شرکت‌ها با محدودیت شدید نقدینگی مواجه و با مشکلاتی در تولید، فروش، صادرات و تامین مالی روبه‌رو هستند. بازار سرمایه در حالت شکننده‌ای قرار دارد و نمی‌تواند به‌زودی جذابیت‌های لازم را برای جذب سرمایه‌گذاران فراهم کند. از سویی سیاست‌های ضدتورمی دولت نیز اگرچه از نظر بنیان‌های اقتصادی قابل دفاع است اما به‌نظر من زیادی سختگیرانه است. در صورتی که تحریم‌ها برداشته نشود سال۹۴ سال سختی برای بازار سرمایه خواهد بود.

گزارش

پاسخ طیب‌نیا به ادعای نادران:

خروج ارز چمدانی با اطلاع مقامات مسوول بوده

● **شرق:** وزیر اقتصاد سومین‌نفری است که در یک‌هفته گذشته درباره ماجرای خروج ارز چمدانی از کشور توضیح می‌دهد. دیشب علی طیب‌نیا در برنامه «نگاه یک» شبکه یک سیما حضور یافت که از قضا یکی از پرسش‌های مجری برنامه حول محور خروج ارزهای چمدانی از کشور بود. مجری پرسید: اخیرا برخی از نمایندگان مجلس از خروج مقادیری ارز به‌صورت چمدانی از کشور خبر داده‌اند و رییس کل بانک مرکزی هم اعلام کرد که به وظیفه‌اش عمل کرده است. شرح ماجرا چه بود؟

وزیر امور اقتصادی و دارایی هم چنین پاسخ داد: کشور نیازهای مختلف و نیاز به واردات و پرداخت‌های ارزی متعددی دارد. مدیریت منابع و مصارف ارزی هم جزو وظایف بانک مرکزی است. با توجه به اینکه کشور در شرایط تحریم است بنابراین بانک مرکزی از همه امکانات و ابزارها برای مدیریت کارآمد منابع و مصارف کشور استفاده می‌کند و این را براساس وظایف ذاتی خود انجام می‌دهد.

او در ادامه تاکید کرد: طبیعتا این موضوع با اطلاع مقامات مسوول بوده و هیچ اقدام غیرقانونی‌ای انجام نگرفته است.

وزیر امور اقتصادی و دارایی افزود: تلاش‌هایی که برای مدیریت اقتصادی کشور انجام می‌شود به‌ویژه اگر در حوزه‌هایی باشد که برحسب وظایف ذاتی و متناسب با شرایط امروز کشور در حال انجام است هم باید مورد تقدیر قرار گیرد و طبیعتا انتظار برخورد متفاوتی را باید داشت. پیش‌از این نادران، نماینده اصولگرای مجلس طی گزارشی از خروج ارزهای آزادشده طی توافقنامه ژنو خبر داده و گفته بود: در ماه‌های اخیر مقادیر قابل‌توجهی ارز بانک مرکزی طی محموله‌ای چمدانی از کشور خارج شده که این ارزها همان ارزهای آزادشده از توافقنامه ژنو است. رییس کل بانک مرکزی اولین‌نفری بود که به این گفته نادران پاسخ داد؛ پاسخی کوتاه و مختصر: بانک مرکزی در بازار ارز وظایفی دارد که به وظایف خود عمل می‌کند. نوبخت، سخنگوی دولت هم در حاشیه جلسه هیات دولت در هفته گذشته در پاسخ به این پرسش گفت: با قاطعیت می‌گویم هیچ‌یک از این کارها را با هیچ‌اقدام غیرقانونی‌ای انجام نمی‌دهیم و انگار نمی‌دانید که در چه شرایط تحریمی‌ای قرار داریم.